

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

جمع‌بندی بحث

در این بحث که آیا ما لیس له بدل بر ما له بدل ترجیح دارد یا نه، اقوال و کلمات را با نکات یا نقدهایی که در کلمات وارد بود بیان کردیم. این بحث را جمع‌بندی کنیم و در فرعی که مرحوم سید در عروه دارد نظری بدهیم ان شاء الله.

نکته‌ی اول

برخلاف نظر مرحوم آقای خوئی که فرمودند مانحن فیه از موضوع تزاحم خارج است، به نظر ما، بین «ما لیس له بدل» و «ما له بدل» چه بدل طولی و چه عرضی باشد، موضوع تزاحم محقق می‌شود. ایشان فرمودند تزاحم در جایی است که مکلف قدرت بر امتثال هر دو را نداشته باشد در حالی که در اینجا مکلف قدرت بر امتثال هر دو را دارد. ما عرض کردیم خیر، مکلف قدرت استعمال آب هم در طهارت خبثی و هم در طهارت مائیه را ندارد پس اینجا هم قدرت بر امتثال هر دو موجود نیست. اگر ملاک در باب تزاحم را ملاک مرحوم نائینی قرار دادیم، باز هم در مقام امتثال یا قدرت بر طهارت خبثی و یا قدرت بر طهارت مائیه دارد پس موضوع تزاحم محقق است.

نکته‌ی دوم

برخلاف نظر مرحوم صدر که گفتند اولاً هر واجبی لباً مقید به وجود قدرت بر آن خطاب است و ثانیاً هر واجبی لباً مقید است به اینکه مکلف اشتغال به ضد مساوی یا اهم نداشته و ثالثاً این ضد مساوی یا اهم بدل نداشته باشد، ما گفتیم گرچه قبول داریم هر خطابی عقلاً مقید به وجود قدرت در مکلف، نسبت به آن خطاب است ولی هر چند ایشان ادعای بداهت عرفی در مورد این قیود کردند ولی ما دو قید دیگر را نمی‌توانیم بپذیریم. ما تنها یک قید داریم و آن اینکه عقل می‌گوید در هنگام صدور امر از مولی شما باید قدرت بر امتثال این تکلیف را داشته باشید پس اگر به تکلیفی دیگر مشغول شدید، موضوع تکلیف دیگر از بین می‌رود نه اینکه بگوئیم عقل از فعلیت شرعی آن واجب، کشف می‌کند که شارع این را مقید قرار داده به اینکه اشتغال به ضد مساوی یا اهم نداشته باشد.

نکته‌ی سوم

مرحوم آقای صدر از راه حساب احتمالات وارد شدند و پذیرفتند که ما لیس له بدل احتمال زائدی نسبت به ما له بدل دارد لذا ترجیح دارد. ما گفتیم اگر مبدل يك طرف، و ما لیس له بدل و بدل مبدل هم يك طرف باشد و احتمال داشته باشد که ملاک مبدل

اقوای از اینها باشد - که البته این احتمال هم موجود است و ایشان از این احتمال غفلت کردند - حساب احتمالات کنار می‌رود.

در همین بحث عرض کردیم کسی اشکال نکند که شما علاوه بر اینکه در بعضی از مباحث، فلسفه را در اصول می‌آورید، حالا ریاضیات را هم در اصول آوردید. اینجا بحث کشف ملاک است و باید ببینیم روی قانون ریاضی چه مقدار احتمال قوی بودن ملاک در این تکلیف وجود دارد. این نکته را هم عرض کردیم و گفتیم ممکن است روی حساب احتمالات به اهمیت ملاک یک احتمال نسبت به احتمال دیگر هم برسیم ولی شارع به این احتمال اهمیت اعتنا نکند.

نکته‌ی چهارم

با همه‌ی این بررسی‌ها به این نتیجه رسیدیم که مجرد نداشتن بدل در یک واجب سبب ترجیح «لیس له بدل» بر «له بدل» نمی‌شود؛ بلکه باید سراغ دلیل بدل رفته و ببینیم آیا بدلیت بدل مطلق است یا خیر؟! مطلق بودن یعنی حتی در فرضی که تراحم است اگر مبدل ترک شد بدل، بدلٌ للمبدل است؛ اگر این باشد، استفاده می‌کنیم که باید ما لیس له بدل را مقدم کنیم.

اما اگر دلیل بدلیت گفت تیمم در جایی است که عدم وجدان تکوینی ماء باشد یعنی «فَلَمْ تَجِدُوا ماءً» در آیه شریفه را بگوئیم «إِنْ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَى الْمَاءِ». اینجا وقتی آب موجود است شك داریم که تیمم بدلیت برای او دارد یا ندارد. بگوئیم «فَلَمْ تَجِدُوا ماءً» اعم از وجدان عقلی و شرعی است و بگوئیم وقتی طهارت مائیه با تطهیر خبثی تراحم می‌کند، شرعاً معذور و عاجزیم. من می‌خواهم این آب را در طهارت خبثی که شارع بر من واجب کرده استعمال کنم مطلب دیگری می‌شود و باز نمی‌گردد به اینکه ما مشروط به قدرت عقلیه را بر مشروط به قدرت شرعیه مقدم کنیم. بلکه می‌گوئیم دلیل بدلیت اطلاق دارد و می‌گوید اگر آب پیدا نکردید لا عقلاً و لا شرعاً. اینجا هم که می‌خواهد طهارت خبثی پیدا کند شرعاً برای طهارت مائیه آب ندارد برای اینکه شرع در اینجا می‌گوید تو طهارت خبث هم برایت لازم است. اگر این را گفتیم ما اینجا ما لیس له بدل را مقدم می‌کنیم.

در نتیجه ما برای ترجیح خود عنوان ما لیس له بدل، نسبت به ما له بدل چیزی نداریم. باید ادله و دلیل بدلیت بدل را ملاحظه کنیم. ببینیم از دلیل بدلیت و بدل چه استفاده می‌شود؟ آیا استفاده می‌شود که هذا بدلٌ فی فرض العجز العقلی عن المبدل، یا نه مطلق است اعم از عجز عقلی و عجز شرعی است. اگر این را گفتیم مسئله روشن می‌شود و برای نفس اطمینانی حاصل می‌شود یعنی در جایی که مطلق است، باید ما لیس له بدل را مقدم کنیم.

نکاتی راجع به 22 بهمن

فردا مصادف با 22 بهمن، روز پیروزی انقلاب اسلامی است. سی و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب است. ما ضمن اینکه وظیفه داریم با حضورمان در راهپیمایی 22 بهمن وظیفه‌ی شرعی و انسانی و ایرانی و انقلابی‌مان را انجام بدهیم که ان شاء الله موفق به انجامش هم خواهیم شد چند نکته را به نظرم می‌رسد که باید مورد توجه قرار بدهیم.

اولین نکته این است که حفظ این نظام و این انقلاب یکی از مهم‌ترین واجبات برای ما است. برای همه‌ی ایرانی‌ها و برای همه‌ی مسلمان‌ها، چه شیعه و چه سنی. حتی آنهایی هم که در خارج از ایران هستند اگر به طریقی بتوانند این نظام و این انقلاب را تقویت کنند روی موازین فقهی ما بر آنها هم واجب است. منتهی برای روحانیت يك وجوب مؤکدی دارد، یعنی حراست از انقلاب و مراقبت از اینکه این انقلاب آسیب نبیند، برای روحانیت يك وجوب مؤکدی دارد. منشأ این وجوب امور مختلفی می‌تواند باشد.

ما به برکت این انقلاب توانسته‌ایم دین را به دنیا و به جامعه‌ی بشری عرضه کنیم. دین را به میدان اجرا بیاوریم و در همه‌ی ابعاد مورد توجه قرار بدهیم. از آن انزوایی که دین داشت در قبل از پیروزی انقلاب از حالت انزوا بیرون آمده! امروز کسی نمی‌تواند منکر این مطلب بشود که آگاهی‌های دینی مردم به مراتب نسبت به قبل از انقلاب بیشتر شده، مردم آگاهی‌شان همان طوری که رشد سیاسی زیادی پیدا کردند اطلاعات علمی و آگاهی‌های دینی‌شان هم قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست و این خودش شواهد و قرائن زیادی دارد.

وقتی دین به صحنه می‌آید نگهبانان دین، پاسداران دین روحانیت هستند. لذا روحانیت نمی‌تواند بگوید حالا ما وظیفه‌ای نداریم. این امانتی که امروز محقق شده و دین امروز این چنین عرضه شده را باید با انحاء و اقسام تلاش‌ها مراقبت کنیم، دین درست بیان شود، درست به میدان بیاید، خودمان قبل از هر قشری عامل به او باشیم.

شما ببینید این بُعد سیاسی دین که به میدان آمده مقابله‌ی با ظلم، امروز در دنیا چه کرده؟ خود همین مقابله‌ی با ظلم اگر خدایی نکرده این انقلاب نبود امروز ظلم ظلمه در دنیا چه می‌کرد! چه غوغایی داشت؟ واقعاً انقلاب ظالمین را، حالا در رأس‌شان آمریکا و اسرائیل، بعد هم اذتاب اینها، اینها را زمین‌گیر کرد، یعنی کاملاً اینها را متوقف کرد نه تنها متوقف کرد در درون خودشان هم اینها را ضعیف کرده.

حالا اگر يك چنین انقلابی نبود اینها امروز بر همه‌ی کشورهای اسلامی حکومت داشتند، بر همه‌ی بشریت حکومت داشتند، داعیه‌ی جهانی بودن را از دهه‌های گذشته دارند و الآن هم به فکر باطل خودشان دارند دنبال می‌کنند، واقعاً ما باید قدر بدانیم، دین به میدان آمده، در صحنه‌ی جهانی مطرح شده، امروز گرایش به اسلام چقدر در دنیا زیاد شده؟ در خود آمریکا اینطوری که الآن می‌گویند در چند دهه‌ی دیگر دین اسلام يك رشد عجیبی خواهد داشت در خود اروپا هم همینطور و اینها از این مسئله وحشت کردند.

مجموعه روحانیت وظیفه‌شان نسبت به حراست انقلاب و حفظ آن روز به روز زیادتر می‌شود. این نکته را به این جهت عرض می‌کنم که در این هفته‌های اخیر یا ماه‌های اخیر این زمزمه در رسانه‌ها و در بعضی از مجموعه‌ها می‌شود که روحانیت باید آرام آرام به حوزه‌های علمیه برگردند. دارند تصریح می‌کنند و اینها که این حرف را می‌زنند با اساس دین مخالف هستند ولو خودشان هم توجه نداشته باشند. اینها نمی‌خواهند دین مطرح باشد. روحانیت که به حوزه‌ها برگردد یعنی يك حکومت غیر دینی بیاید، البته اینها می‌گویند حکومت دینی باشد ولی شما دخالت نکنید! این يك تناقض است، مگر امکان دارد حکومت دینی باشد اما روحانیت خودش را کنار بکشد، این اصلاً معنا ندارد. کنار کشیدن روحانیت یعنی يك حکومت غیر دینی بر سر کار بیاید.

باز برای اینکه مشت خودشان را خیلی باز نکنند می‌گویند روحانیت يك نظارتی کند؛ من يك صحبتی را با جمعی در این اواخر داشتم و گفتم اینکه می‌گویند نظارت کند به این معناست که اسلام حکومت ندارد! دین حکومت ندارد! این حتی معنایش نفی حکومت مهدوی هم باید باشد. وقتی می‌گوئیم دین بما هو دین حکومت ندارد، معنایش این است که حتی اگر معصوم علیه السلام هم باشد حق حکومت کردن ندارد، يك نظارتی کند يك هدایتی کند و يك ارشادهایی داشته باشد. آیا آنچه امام برای ما به ارمغان آورد این است؟ و این خطر بسیار بزرگی است که من دارم احساس می‌کنم که مردم، جوانان و دانشجویان ما را کم‌کم بخواهند به این فکر متوجه کنند که روحانیت باید از صحنه‌ی اجرا خودش را کنار بکشد. البته این را در يك قالب خیلی دلسوزانه به عنوان دلسوزی برای نظام، برای دین، برای کشور، برای مردم مطرح می‌کنند اما باطن آن همین است که من عرض کردم.

روحانیت باید خیلی قوی‌تر از گذشته حضور داشته باشد، البته من نمی‌گویم روحانیت عملکردش صد در صد درست بوده و هیچ اشکالی نداشته! خیر، اشکالات متوجه روحانیت بوده و هست و برخی از آن هم صحیح است. ما حتی اگر بخواهیم اشکالات را مطرح کنیم می‌توانیم بگوئیم از بعضی از تربیون‌ها دین را درست برای مردم بیان نکردیم و منتقل نکردیم به نسل

امروز خودمان، این را ما قبول داریم، ولی بحث در این نیست که فلان گوینده یا فلان روحانی که فلان مسئولیت را داشته درست عمل کرده یا نه؟ بحث در این است که می‌گویند دین نباید در جامعه حکومت کند، همه‌ی حرفها همین است. یعنی همان اسلام منهای روحانیتی که قبلاً از انقلاب می‌گفتند الآن هم همین را می‌گویند.

من همین جا عرض کنم که سال 89 که رهبری معظم دام ظلّه العالی به قم تشریف آورده بودند و جلسه‌ای با جامعه مدرسین بود، همان جا من این را خدمتشان عرض کردم و گفتم ما داریم احساس می‌کنیم حرفهایی را می‌شنویم، حرکتهایی را می‌بینیم، در بدنه‌ی اجرایی آن زمان (سال 89) که دنبال روحانیت زدایی از انقلاب هستند، دنبال همان تَر اسلام منهای روحانیت و انقلاب منهای روحانیت و انقلاب منهای ولایت فقیه هستند، یعنی هفت سال پیش.

اما الآن من می‌بینم که این خیلی منضبط‌تر به حسب ظاهر، جذاب‌تر و شاید هم به اعتقاد خودشان مستدل‌تر دارند مطرح می‌کنند، چه کسی باید بیدار باشد؟ روحانیت باید بیدار باشد، البته ما هم نمی‌توانیم فقط با شعار و تندی و تحریک احساسات حرف خودمان را به کُرسی بنشانیم، ما هم باید به استدلال و منطق، ما هم باید به دور از حُب و بغض‌های سیاسی مسائل دین را مطرح کنیم. ما باید بپذیریم در طول این چهل سال برخی از روحانیون این را در قالب حب و بغض‌های جناحی آوردند مطرح کردند ولو مطلب اگر درست بوده باشد، مردم باید از ما به عنوان دفاع از دین حرف بشنوند، حق‌شان همین است. از حقوقی که مردم بر ما روحانیت دارند این است که ما امین باشیم در انتقال معارف دینی و مردم به دور از نفسانیات خودمان، به دور از دنیاطلبی خودمان، به دور از حب و بغض‌های سیاسی و جناحی خودمان، اینها را باید کنار بگذاریم.

علی ای حال حالا وقت نیست که این را روشن‌تر عرض کنم، می‌خواهم عرض کنم ما در آستانه 22 بهمن هستیم حراست از انقلاب بر همگان واجب است خصوصاً بر روحانیت، روحانیت باید هر چه دقیق‌تر به دور از اشکال با رفع اشکالات در میدان باشد. ببینید فضاهای مجازی راجع به روحانیت چه می‌کنند؟ از تهدید، استهزاء، تهمت و انواع و اقسام راهها استفاده می‌کنند تا روحانیت را از چشم مردم بیندازند. پس وظیفه ما این است که محکم‌تر در میدان باشیم.

نکته دوم، باید در سالروز پیروزی انقلاب مبانی امام را بیشتر مورد توجه قرار بدهیم. واقعاً هر چه از مبانی امام راحل، زمان می‌گذرد لزوم دقت و خصوصاً دقت اهل نظر باید بیشتر بشود. یکی از مبانی امام مقابله با اسرائیل بود. باید روز به روز محکم‌تر در این مسئله حرکت کنیم. الحمدلله مردم واقعاً اینها را در اختیار دارند ولی ما باید این مبانی را برای نسل امروز که امام را ندیدند تبیین کنیم. در کلمات رهبری معظم انقلاب هم نسبت به توجه به مبانی امام بسیار تأکید می‌شود.

نکته سوم این است که واقعاً مسئولین ما قدر مردم را بدانند، ارزش مردم را بیشتر بدانند و باید بیشتر تلاش کنند. من قبلاً هم در بعضی از صحبت‌ها گفتم اینجا هم عرض می‌کنم، کلمات رهبری هم در همین روزها فرمودند که مردم نمی‌توانند فساد اقتصادی در کشور را تحمل کنند، همه‌ی تحملات و مشکلات را دارند ولی نمی‌توانند فساد را تحمل کنند. یکی از آرزوهایمان این بود که به برکت حکومت اسلامی بیت المال مسلمین محفوظ می‌ماند. یکی از حرفها این بود که در زمان طاغوت، پهلوی بیت المال مسلمین را چپاول و غارت می‌کرد.

من همین جا عرض کنم که مرحوم آیت الله طوسی در مشهد به مرحوم والد ما رضوان الله تعالی علیهما می‌گفت اسناد نشان می‌دهد که ضریح مطهر امام هشتم را پول‌هایش را کیسه کیسه می‌کردند برای دربار می‌فرستادند! اما بعد يك تولیتی آمد منسوب امام، حالا خود ایشان به آقا می‌گفت من حتی از حق التولیه‌ی خودم يك ریال در زندگی شخصی استفاده نکردم. با حق التولیه کتابخانه و بیمارستان ساختم. این افتخارات را داریم که واقعاً از افتخارات انقلاب و از افتخارات روحانیت است.

رهبری معظم انقلاب یا مسئولین درجه‌ی يك این نظام از نظر زندگی برایشان فرقی نکرد و بلکه بعضی‌ها اموال زیادی هم داشتند

برای همین انقلاب صرف کردند. ولی در بخشی از مدیران متأسفانه این اختلاس‌ها و فسادهای اقتصادی مردم را ناراحت کرده. حق هم دارند ناراحت شوند. بالأخره باید تلاش بشود جلوی فسادها گرفته شود، تلاش شود که واقعاً رفاه اقتصادی برای مردم فراهم شود. همان‌طور که امام برای مردم خیلی ارزش قائل بود و یکی از مبانی امام که باید روی آن کار شود همین است.

متأسفانه گاهی اوقات بعضی از زمزمه‌ها از بعضی روحانیون صادر می‌شود که خلط می‌کنند مسائل را و گاهی اوقات نقش مردم را نادیده می‌گیرند! همه‌ی چیز این انقلاب و این نظام مردم هست، البته امام در درجه‌ی اول روی اسلامیت تأکید داشت و قبل از هر چیزی روی اسلامیت تأکید داشت شاید يك سخنرانی از امام پیدا نکنیم که در آن مسئله‌ی اسلام و مسئله‌ی خدا نباشد، اینها را ما باید بیشتر مورد توجه قرار بدهیم.

امیدواریم که خداوند همان‌طور که لطف کرد و این عنایت را به این کشور کرد و این انقلاب محقق شد، این انقلاب محفوظ بماند و دست دشمنان از این انقلاب، کشور ما، اسلام و شیعه کوتاه بماند.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين